



انترناسیونال ۳۵۸

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱ مرداد ۱۳۸۹، ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

شنبه ۲۴ جولای روز جهانی سکینه

شهروندان جهان علیه سنگسار

زنان گرجستان علیه سنگسار

پا خاستند



اعتراضات گسترده جهانی علیه سنگسار

سکینه محمدی آشتیانی ادامه دارد صفحه ۲

لیست تظاهرات روز ۲۴ جولای روز جهانی سکینه

و علیه سنگسار صفحه ۱۰

کارگر زندانی آزاد باید گردد

به کمپین برای آزادی کارگران زندانی پیوندید

صفحه ۶

صفحات دیگر

اولین شماره کمونیسم کارگری نشریه تئوریک سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران به سردبیری محسن ابراهیمی منتشر شد.

صفحه ۷

سعید ترابیان از زندان آزاد شد

صفحه ۶

پیرامون انفجارهای زاهدان

صفحه ۱۲

علی مهین ترابی از زندان آزاد شد

صفحه ۱۱

شکست دیگری برای جمهوری اسلامی در برلین

صفحه ۹

پایان دادن به ناامنی محیط کار، خواست فوری کارگران

صفحه ۷

پیام مینا احدی

خطاب به همه آنها که برای نجات سکینه در

سراسر جهان فعالیت میکنند

نه تنها سکینه که انسانیت به تلاش شما نیاز دارد

جهان به یکی از معروف ترین زنان دنیا تبدیل شد و نور امید در دلش زنده شد. و چه امیدبخش است که میلیونها نفر از قاره های مختلف دنیا در دفاع از انسانیت، علیه یک حکومت ضد انسان قد

چه با شکوه است که صدها هزار نفر در سراسر جهان قلبشان برای زنی در زندانهای ایران میپتد. چه مسرت بخش است که در طول سه هفته سکینه محمدی آشتیانی، زنی گمنام، به همت انسانهای بیشماری در سراسر

صفحه ۲

فتوای خامنه ای و قطع امید از نجات نظام

را تمام نکرده است اما فی الحال یکی از پایه ها و مقدسات اصلی این حکومت یعنی ولی فقیه را

حسن صالحی

خیزش انقلابی اخیر مردم

ایران هنوز کار جمهوری اسلامی

صفحه ۸

به کمپین آزادی کارگران زندانی پیوندید

هادی وقفی صفحه ۱۱

تحریم ها و اقتصاد زیر زمینی

بهرروز مهرآبادی- صفحه ۹

بازتاب هفته

دعوا بر سر پول مترو: دزد ها بجان هم افتاده اند

بهرروز مهرآبادی

دانشگاهها و کارهای ناتمام جمهوری اسلامی

سیامک بهاری

در باره آلودگی آب آشامیدنی تهران

محمد شکوهی

دزدبهای هزاران میلیاردی باندهای حکومتی

محمد شکوهی

صفحات ۵-۴



تظاهرکنندگان در همبستگی با

زنان ایران حجابها را به آتش

کشیدند!

صفحه ۸

سه یادداشت

کاظم نیکخواه

۱- زنان گرجستان همراه

با مردم ایران

تظاهرات شماری از زنان گرجستان بر ابر سفارت جمهوری اسلامی، بسیار دیدنی و جالب توجه بود. گزارش کوتاهی در مورد آن در این شماره انترناسیونال آمده است. حتما فیلم آنرا نگاه کنید. شمار این زنان زیاد نبود اما تظاهراتشان تا آنجا که در این فیلم قابل مشاهده است عمیق و رادیکال و بسیار پیشرو است. در این دنیایی که کمتر حرکتی حتی اعتراضی را مشاهده میکنی که رگه های مذهبی و ناسیونالیستی و عقب ماندگی در آن مشاهده نشود، حرکت شماری از زنان یک گوشه دیگر دنیا در دفاع از سکینه محمدی و علیه سنگسار که با صراحت و افتخار از جنسیت خود دفاع میکنند، از حقوق

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



شنبه ۲۴ جولای روز جهانی سکینه محمدی آشتیانی: شهروندان جهان علیه سنگسار

دست داشتن عکس های سکینه و پیام هایی در دفاع از او و همچنین در اعتراض علیه سنگسار و اعدام به خیابانها بیاید."

در این اطلاعیه علاوه بر آدرس طومارهای اعتراضی همچنین به سابقه موضوع سکینه محمدی، نامه سجاد پسر او و آخرین وضعیت او با ذکر منابع اشاره و تاکید شده که بسیاری دیگر از جمله آذر باقری که در ۱۵ سالگی دستگیر شد و "مریم قربانزاده" که باردار است در معرض سنگسار قرار دارند. این فراخوان در پایان تاکید کرده است:

"روز شنبه ۲۴ ژوئیه در ساعت ۲ بعدازظهر به ما پیوندید و کاری کنید جهان یکپارچه خشم علیه این بربریت قرون وسطایی و حمایت از انسانیت شود. سکینه و فرزندان و خیلی های دیگر که منتظر سنگسار هستند شایسته چنین حمایتی هستند."

نمایشی سنگسار را در مورد او اجرا کرده اند و برای نجات دهها و صدها نفر دیگر از اعدام و سنگسار است. این یک مبارزه عمیق انسانی و آزادیخواهانه علیه یک رژیم اسلامی به غایت وحشی، ضد زن و ضد انسان است که زندگی هفتاد میلیون انسان را به گرو گرفته است.

جمهوری اسلامی در محومه بزرگی گرفتار شده است. موج اعتراض جهانی، تا همینجا حکومت قاتلان اسلامی را بشدت تحت فشار قرار داده است. باید گسترده تر از قبل اعتراض را ادامه داد. این مبارزه ای است در مقیاس جهانی در همبستگی با مردم ایران برای سرنگونی حکومت قاتلان و جنایتکاران اسلامی و شایسته حمایت گرم همه مردم شریف و انسان دوست دنیا است.

۵۸ شخصیت و نهاد از نقاط مختلف جهان طی فراخوانی شنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۰ (برابر با ۲ مرداد ۱۳۸۹) را بعنوان روز بین المللی سکینه و اعتراض جهانی علیه سنگسار اعلام کردند. امضا کنندگان که چهره ها و فعالین سرشناسی از کشورهای انگلیس، آمریکا، هند، ایتالیا، کانادا، فرانسه، سوئد، لهستان، بوسنیا، بلژیک، پاکستان، آفریقای جنوبی، نیجریه، ایسلند، سوئیس، دانمارک، استرالیا و آلمان را در بر میگیرد از سرنوشت سکینه محمدی آشتیانی ۴۳ ساله و خطر اعدام او در جمهوری اسلامی ایران اظهار نگرانی کرده و اعلام کرده اند:

"ما مردم را در هر جایی که هستند فرامیخوانیم تا با تبدیل روز شنبه ۲۴ جولای به روز بین المللی سکینه محمدی آشتیانی اعتراضات خود را شدت دهند. ما از شما میخواهیم شنبه ساعت ۲ بعدازظهر در مراکز شهرهای سراسر جهان با در

مسئولین قوه قضاییه از آنها درخواست کرده است که اجازه دهند سکینه را بجای سنگسار اعدام کنند. و نیز مسئولین زندان تبریز خواهان اعدام فوری سکینه هستند آمده است:

دوستان گرامی!
با اعتراضات گسترده میتوان جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد و این حکومت را از تصمیم جنایتکارانه اش منصرف کرد. این یک نبرد بزرگ جهانی، یک نبرد بزرگ انسانی برای نجات جان سکینه است و نه فقط برای نجات جان سکینه که برای نجات جان مریم قربان زاده زن حامله منتظر سنگسار، محمدرضا حدادیان نوجوانی که چندسال است در زندان با کابوس اعدام زندگی میکند، زینب جلالیان، آذر باقری نوجوان ۱۹ ساله ای که چهار سال است منتظر سنگسار است و دو بار مراسم

شما در سطح جهان به دفاع از این خواست انسانی مردم ایران بلند شدید و پرچم لغو مجازات اعدام و سنگسار را بالاتر بردید.

۶- و مهمتر از همه، شبکه های بزرگی از اکتیویست ها به همت شما شکل گرفت که میتوان امیدوار بود که این شبکه ها هر بار قدرتمندتر و مجرب تر از گذشته در مقابل اعدام ها و سنگسارها قد علم خواهند کرد و مردم ایران را در مبارزه بسیار انسانی شان علیه این حکومت توحش مذهبی یاری خواهند داد. به شما اطمینان میدهم که شما امید به رهائی و امکان رهائی از سر این حکومت را برای مردم ایران و جهان تسهیل نمودید. شما قدم بزرگی این مبارزه تماما انسانی برای سرنگونی این حکومت و شکل دادن به جامعه ای آزاد و برابر و انسانی را به جلو بردید. بنابراین قدر شبکه هائی که ایجاد کرده اید را بخوبی بدانید و هر چه بیشتر آنها را تقویت کنید.

دست تک تک شما عزیزان را میفشارم و امیدوارم که مبارزه شما هرروز قدرتمندتر و سازمان یافته تر شود و نقش هرچه بیشتری در کنار مردم ستمدیده ایران ایفا کند.

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار

۱۹ جولای ۲۰۱۰

به غایت وحشی، ضد زن و ضد انسان است که زندگی هفتاد میلیون انسان را به گرو گرفته است.

جمهوری اسلامی در محومه بزرگی گرفتار شده است. موج اعتراض جهانی، تا همینجا حکومت قاتلان اسلامی را بشدت تحت فشار قرار داده است. باید گسترده تر از قبل اعتراض را ادامه داد. این مبارزه ای است در مقیاس جهانی در همبستگی با مردم ایران برای سرنگونی حکومت قاتلان و جنایتکاران اسلامی و شایسته حمایت گرم همه مردم شریف و انسان دوست دنیا است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ جولای ۲۰۱۰

در اطلاعیه شماره ۱۷ کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن گزارش خیر این که حسین نوبخت معاون دادستان تبریز با ارسال نامه ای به

پیام مینا احدی...

علم میکنند و این حکومت را به عقب میرانند.

دوستان عزیز

اجازه بدهید به سهم خود از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار و کمیته بین المللی علیه اعدام از تلاش ارزشمند تک تک شما قدردانی کنم و در مورد اهمیت و دستاورد فعالیت شما به نکاتی اشاره کنم:

۱- سکینه به همت این تلاش جهانی و قبل از همه تلاش فرزندان سکینه، از سنگسار نجات یافت. امیدوارم این تلاشها در ادامه خود به نجات کامل سکینه از اعدام و زندان منجر شود.

۲- فشار جهانی علیه جمهوری اسلامی، تا همینجا این حکومت را در اجرای سایر احکام اعدام و سنگسار نیز محتاط کرده است. هرچند اعدام و جنایت لازمه بقای این حکومت است، اما این تلاش ها میزان آنها را کاهش میدهد.

۳- جمهوری اسلامی در دنیا بسیار بی آبروتر و منفورتر شد. سه دهه است تلاش میکنیم به دنیا بگوئیم که این حکومت با مردم ایران چه میکند و امروز بیش از هر زمان مردم جهان با مردم ایران و مبارزه آنها برای خلاص شدن از دست این حکومت احساس همبستگی

از صفحه ۱

میکند و این برای مردم ایران بسیار گرانقدر و یاری دهنده است.

۴- به همت تلاش شما و افشای گسترده جمهوری اسلامی، ساخت و پخت و مماشات با این حکومت برای دولت هائی که این سی سال کنار این حکومت بودند و در مورد جنایاتش سکوت کردند، دشوارتر شد. و این نیز مستقیما بر مبارزه مردم ایران تاثیر میگذارد.

۵- خواست لغو مجازات اعدام و سنگسار از خواسته های مهم مردم ایران است. جمهوری اسلامی از بلو به قدرت رسیدن تا کنون نزدیک به صد هزار نفر از عزیزان مردم را به جرم مخالفت سیاسی با این حکومت، به جرم داشتن عقیده ای دیگر، به جرم آزاد اندیشی، به جرم بی اعتقادی به مذهب، اعتقاد به مذهبی دیگر و یا به جرم ارتداد و یا صرفا به خاطر عشق ورزیدن به کسی، به جرم هموسکسوالیسم، به جرم عدم رعایت حجاب اسلامی، عدم رعایت مقررات اسلامی و یا به جرم نخواستن چنین حکومتی، در دادگاههایی که هیچ انسان شرافتمندی نمیتواند اسم دادگاه بر آنها بگذارد، اعدام و یا سنگسار کرده است. اعدام یک رکن مهم این حکومت است و مبارزه با اعدام یک رکن مهم مبارزه مردم علیه این حکومت است. در هفته های گذشته

اعتراضات گسترده جهانی ادامه دارد، یک طومار اعتراضی به بیش از ۴۵۰ هزار رسید

طبق خبری که هم اکنون به ما رسیده است، حسین نوبخت معاون دادستان تبریز با ارسال نامه ای به مسئولین قوه قضاییه از آنها درخواست کرده است که اجازه دهند، سکینه را بجای سنگسار اعدام کنند. این خبر به فرزندان سکینه هم اطلاع داده شده و هر دو بسیار نگران هستند.

مسئولین زندان تبریز خواهان اعدام فوری سکینه هستند و اگر اعتراضات جهانی نبود، او را تا کنون اعدام کرده بودند. امروز وکیل پرونده مجدداً به تهران رفته که اعتراض خود را با مقامات قوه قضائیه در مورد درخواست معاون دادستان تبریز مطرح کند.

دوستان گرامی!

با اعتراضات گسترده میتوان

بحران اتمی...

از صفحه ۱



باختن امیر جوادی فر بود. به این مناسبت مراسمی توسط خانواده اش در منزل آنها برگزار گردید و خانواده و بستگان و شماری از دوستان او در این مراسم شرکت کردند. بازگویی خاطره ها و شعر خوانی و اعلام انزجار از قاتلان امیر و سایر جانباختگان بخشهایی از این مراسم بود. از جمله شرکت کنندگان در این مراسم پروین فهیمی مادر سهراب اعرابی یکی دیگر از جانباختگان بود که سخنرانی کوتاهی کرد و اعلام کرد که عزیزان ما زنده اند و از پشتیبانی عظیم مردم ابراز خوشحالی و سپاسگزاری کرد. این روزها در عین حال اسامی محکومین "دادگاه متهمان کهریزک" اعلام شد که حکومت اسلامی بر پا کرده است. این دادگاه واقعا مسخره و نفرت انگیز بود و مورد انزجار بستگان جانباختگان از جمله خانواده امیر جوادی فر قرار گرفت. قاتلان مستقیم عزیزان مردم امثال مرتضوی و رادان و احمدی مقدم حتی به این دادگاه کذابی فرا خوانده نشده بودند. دو استوار دوم بنام افسر نگهبان زندان کهریزک به اعدام و قصاص محکوم شدند و چند نفر از دست اندرکاران جزء نیز به عزل از خدمت و جریمه و زندانهای کوتاه مدت محکوم شدند. با وجود این نفس برپایی این دادگاه کذابی يك غلط کردم توسط سران حکومت بود. جمهوری اسلامی با این دادگاه کذابی ناچار شد خود را به محاکمه بکشد. فکر نمیکنم دست اندرکاران جمهوری اسلامی آنقدر احمق باشند که ندانند مردمی که عزیزانشان با فرمان خامنه ای و با مسئولیت مستقیم امثال مرتضوی و احمدی نژاد و رادان کشتار شدند با چنین دادگاههای نمایشی ای کوتاه می آیند. این دادگاه فقط قدرت مردم را به آنها نشان داد که حکومت را ناچار کرد کسانی را به جرم انجام دستورات رهبرشان به محاکمه بکشند. دادگاههای واقعی و مردمی محاکمه کشتارگران دیر نخواهد بود که بطور علنی برگزار شود. یاد همه عزیزان جانباخته مان را گرامی بداریم

و خانواده ها و بستگانشان را در حلقه مهر و محبت خویش بگیریم. عزیزان آنها عزیزان همه مردمند و قاتلان آنها مورد نفرت عظیم و عمیق همه مردم میلیونی اند.

۳- تحریمها و خطر حمله نظامی

فضای بین المللی بشدت علیه جمهوری اسلامی به حرکت در آمده و هماهنگی بی سابقه ای علیه حکومت اسلامی ایجاد شده است. تحریمها از همیشه جدی تر و گسترده تر است و صنایع نفت و گاز و هواپیمایی و سیستم بانکی و صنایع بسیاری را در برمیگیرد. بحث در مورد حمله نظامی به ایران نیز بشدت داغ شده است. شاید حمله نظامی خیلی محتمل بنظر نرسد اما واقعیت اینست که اولاً کشاکش قدرتهای بین المللی با جمهوری اسلامی تا زمانی که این حکومت بر سر پاست ادامه خواهد یافت و ثانیاً در هر نقطه ای از این کشاکش این احتمال وجود دارد که کار به حمله نظامی و درگیری نظامی بکشد. مساله اینست که فقط حمله نظامی نیست که زندگی مردم را تهدید میکند. فی الحال نفس همین تحریمها ورشکستگی بسیاری از کارخانجات را بدنبال داشته و صدها هزار کارگر بیکار شده اند. گرانی از همیشه بیشتر است. اقتصاد ایران دارد به اقتصاد زیر زمینی تبدیل میشود که يك نتیجه فوری گرانی بی سابقه کالاهاست. جمهوری اسلامی قطعاً با این تحریمها سرنگون نخواهد شد و هدف تحریم کنندگان هم این نیست که این حکومت را سرنگون کنند. بلکه میخواهند به نقطه ای از توافق سازش با این حکومت نزدیک شوند که طرفین از آن راضی باشند. تا آنجا که به مردم ایران مربوط میشود روشن است که جمهوری اسلامی سعی میکند بار این فشارها را به دوش مردم بیندازد و با بیکار سازیها و تحمیل گرانی و عقب راندن زندگی مردم و بویژه کارگران، تحریمها را از سر بگذارند. در مقابل کارگران و مردم راهی ندارند جز اینکه از حقوق انسانی خویش دفاع کنند. باید روشن و صریح در برابر تبلیغات حکومت ایستاد. باید از حقوق و سطح زندگی خویش دفاع کنیم و اعلام کنیم که ما

حق داریم زندگی کنیم و مسئول این تحریمها ما نیستیم و عوارض آنرا قبول نمیکنیم. دولت باید زندگی تک تک مردم و از جمله بیکاران را تامین کند. برپایی اعتراضات و اعتصابات سراسری و طرح خواستههایی مثل بیمه بیکاری مکفی به همه بیکاران، افزایش چندین برابر دستمزدها، حق اشتغال و حق مسکن را باید وسیعاً طرح کنیم. در مورد این جنبش و خواستها میشود بیشتر صحبت کرد. آنچه مهم است اینست که رهبران جنبشهای کارگران و مردم بدانند که این تنها راه مقابله با نابود کردن زندگی ما توسط حاکمین اسلامی به بهانه تحریمهاست. و در این رابطه باید هرچه زودتر دست به کار شد. در غیر اینصورت با فشارها و تحریمها فقر و مشقت ما کارگران و مردم دهها بار افزایش خواهد یافت. يك نکته دیگر را هم در رابطه با حمله نظامی باید تاکید کنیم. اینهم دست رهبران چپ و رادیکال را می بود که جامعه را در برابر تبلیغات انحرافی مختلفی

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

بازتاب هفته

در باره آلودگی آب آشامیدنی تهران



محمد شکوهی

جمهوری اسلامی و باند‌هایش حتی آب آشامیدنی را هم از زدیهای خود بی نصیب نگذاشته‌اند. در هفته‌های اخیر آلودگی آب آشامیدنی مناطقی از تهران که بنابر ادعاهای مقامات استانداری در حد "شایعه‌ای" بیش نبوده نگرانی‌های مردم را برانگیخته است. آلودگی آب آشامیدنی در تهران امر تازه‌ای نیست. منتها اوایل این هفته وزیر بهداشت رژیم ضمن تأیید این آلودگی گفت: آب تهران برای نوزادان و زنان باردار، قابل شرب نیست. وزیر نیرو هم اگر گفته سالم است مسئول حرف خودش است. در واکنش به این خبر مقامات استانداری تهران و شرکت آفا (شرکت آب و فاضلاب تهران) به همراه مسئولین به اصطلاح تصفیه خانه‌ها و مراکز کنترل سلامت آب نوشیدنی به تقلا افتاده و در صد توجیه مساله و اعلام شایعه بودن آلودگی آب آشامیدنی تهران بر آمدند. در این میان اما خود این موضوع تبدیل به یک دعوا و بحث بین استانداری و دولت و وزیر بهداشت و مقامات مربوطه گشته است. بخشی از مقامات وزارت بهداشت و استانداری بالا بودن میزان نیترات در آب آشامیدنی در منطقه یافت آباد تهران را تأیید کرده، و برخی مناطق تهران را "منطقه سیاه" اعلام کرده‌اند. اما محمد پرورش، مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب تهران، در تکمیل ادعاهای مقامات استانداری تهران با وقاحت تمام بر آلوده نبودن آب تهران تأکید کرد و گفت که این آب برای تمامی گروه‌های سنی قابل استفاده است! این اظهارات در حالی بیان شد که وزیر بهداشت و موسسه استاندارد رژیم آلودگی بیش از حد آب آشامیدنی، و وجود بیش از حد مجاز نیترات در آب آشامیدنی در مناطقی از تهران را تأیید کرده است. علیرغم تأیید اخبار و گزارشات مربوط به آلودگی آب آشامیدنی، علیرغم اینکه

خود استانداری مرکزی، منطقه یافت آباد را در زمره آلوده‌ترین مناطق تهران از نظر آب آشامیدنی قرار داده‌اند، مسئولان شهرداری و "شرکت آفا" سکوت کرده و از ارائه هر گونه توضیحی در باره این اخبار خودداری کرده‌اند. در همین حال استانداری تهران موضوع لوله گذاری‌های قدیمی و زنگ زدگی لوله‌های انتقال آب، و وجود چاه‌های عمیق در مناطق صنعتی تهران و حومه که آب آشامیدنی را به تهران انتقال داده، بطور ضمنی تأیید کرده است. اما در پس این بازی‌ها و تکذیب‌ها و تأییدها چه خبر است؟ چرا مسئولین حکومتی شهرداری و اداره جات مربوطه کاری نکرده و اقداماتی را در دستور نمی‌گذارند؟ شهرداری تهران همین دو سال پیش اعلام کرده که قراردادهای میلیارد تومانی با شرکت‌های خارجی برای "توسعه و تجهیز" تصفیه خانه‌های آب و هدایت فاضلاب تهران به خارج شهر و تعبیه تاسیسات بازیافت آب و فاضلاب بسته و در دست اجرا دارد. بنابر اعتراف شهرداری و مقامات ذی ربط رژیم این پروژه‌ها هنوز اجرایی نشده است. در همین حال برخی گزارشات مقامات محلی رژیم در شهرک‌های حومه تهران حاکی است که منبع و منشأ آلودگی آب، هدایت فاضلاب‌های کارخانجات به رودخانه‌ها و تخلیه آن در مناطق حومه تهران بوده که به مرور و در اثر انباشته شدن این مواد آلوده کننده و با بارش باران به حفره‌های آب‌های زیر زمینی راه پیدار کرده و نهایتاً وارد آب هدایت شده به تصفیه خانه‌های آب آشامیدنی شده و باعث آلودگی می‌شوند! اعلام کرده‌اند که شرکت‌های طرف قرارداد با کارخانجات صنعتی در ازای دریافت مبالغ هنگفتی از بودجه بندی‌های استانداری و اداره محیط زیست تحت عنوان طرح "صنعت دفع زباله‌های آلوده کننده" در عمل پول‌ها را بالا کشیده و هیچ کاری نکرده‌اند.

در فضای بچاپ‌بچاپ و دزدی و بالا کشیدن پول‌ها و ثروتهای عمومی، هیچ چیز حتی آب آشامیدنی مردم در امان نمانده است. میتوان انتظار داشت که در این فضا فجایعی علیه مردم به همین دلیل روی دهد که قابل جبران نباشد. راستی برای دست یابی

به آب سالم آشامیدنی نیز باید کل این حکومت و باندهای کلاش و دزدش را به زیر کشید. راه دیگری عملاً نمانده است.*

دانشگاهها و کارهای ناتمام جمهوری اسلامی



سیامک بهاری

به گزارش خبرگزاری ایلنا، صادق لاریجانی، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی در مراسم اختتامیه مسابقات بین‌المللی قرآن اظهار داشت: "مسلمانان قرآن حقایقی دارد که اگر بر کوه نازل شود کوه خاضع و خاشع می‌شود و مرده‌ها به سخن در می‌آیند. اگر کسی به این معارف دست پیدا کند این امور برای او میسر می‌شود. . . . قرآن را نمی‌شود با معارف جدید تعبیر کرد. . . چه معنی دارد در کشور خود تئوری‌هایی در باب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ترویج کنیم که بر پیش‌فرض‌هایی استوار است که به هیچ وجه با پیش‌فرض‌های دینی ما هم‌مانگی و هم‌خوانی ندارد؟

وقتی حکومتی وجودش با زمین و زمان ناسازگار باشد طبعاً هرآنچه در روی زمین است را علیه خود می‌بیند. حملات اخیر سران جمهوری اسلامی به دانشگاه و تدریس علوم با هر مضمونی، سابقه‌ای به درازای عمر کثیف این حکومت دارد. سابقه یورش حکومت اسلامی به دانشگاه و به خاک و خون کشیدن آن، دستگیری و اخراج هزاران استاد و دانشجو به نام "انقلاب فرهنگی" و بعد تلاش ناموفق برای ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه، با هدف خنثی کردن دانشگاه نه بعنوان کانونی صرفاً علمی که با این نظام ناسازگار است، بلکه بعنوان یکی از کانونهای فعال سیاسی علیه نظام اسلامی انجام گرفت. بعد از دوسال بستن دانشگاهها و سرکوب و تصفیه‌های خونین و انتصاب قصابان و جلادان حکومتی در راس امور دانشگاه، به خیال اینکه این کانون گرم سیاسی را خاموش ساخته‌اند، دانشگاه باز گشایی شد. پس از سه دهه جنگ و گریز آشکار نه فقط سران جمهوری اسلامی بر دانشگاه و دانشجو فایز نیامدند بلکه خیلی زود

دانشگاه با صدایی رسا فریاد آزادی سر داد و به کانونی پرخروش و رادیکال علیه حکومت تبدیل شد. با فضای سرنگونی طلبی در کل جامعه دانشگاه هرچه بیشتر به یک کانون پر طیش اعتراض و حق خواهی مردم تبدیل شد. خامنه‌ای در شهریور سال هشتاد و هشت، یعنی سال گذشته در پی اوچگیری خیزش قهرمانه مردم، شیپور حمله مجدد به دانشگاهها را به صدا در آورد. وی تصریح کرد: "بسیاری از علوم انسانی مبتنی بر فلسفه‌هایی است که مبانی آنها مادیگری و بی اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی است و آموزش این علوم موجب بی اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی می‌شود و آموزش این علوم انسانی در دانشگاه‌ها منجر به ترویج شکاکیت و تردید در مبانی دینی و اعتقادی خواهد شد." سپس از مجلس، دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی خواست به این موضوع رسیدگی کنند. محمد تقی مصباح یزدی، از مهره‌های اصلی حفظ نظام اسلامی، عضو مجلس خبرگان و رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی اما موضوع را روشنتر کرد وی گفت: "بسیاری از کسانی که در فتنه نقش کلیدی داشتند، از تربیت‌شدگان همین اساتید فاسد دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی بودند." وزیر پیشین علوم، محمد مهدی زاهدی، در دولت محمود احمدی‌نژاد، اما پی‌ا را فرار گذاشت و در اظهار نظری که مرده‌ها هم به خنده می‌اندازد گفته بود: "سرنخ‌های انقلاب مخملی در پایان نامه‌های دانشگاهی یافت شده! واقعا که این حکزمت در چه وحشتی شب و روز می‌گذرانند. وزیر کنونی علوم، کامران دانشجو، اما خبر از طرحی برای برخورد با اساتید سکولار داد و گفت "اساتیدی باید جذب هیات علمی شوند که قائل به مسیری باشند که مردم در ۹ دی و ۲۲ بهمن ترسیم کرده‌اند." وی اعلام کرد که دو میلیون و دویست هزار دانشجوی علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران مشغول تحصیل هستند و وزارت علوم به بیست و دو هزار استاد معتقد به مبانی اسلامی نیاز دارد. وی در فراخوانی از "استادان و متفکران اسلامی" خواست برای تدریس در دانشگاه‌ها، خود را به

وزارت علوم معرفی کنند. حقیقت این است که این فقط علوم انسانی نیستند که جمهوری اسلامی چنین در برابرشان جبهه گیری می‌کند. طی سی سال سلطه جاهلانه جمهوری اسلامی بر دانشگاهها در ایران، دانشگاهها از نظر آموزشی از ظرفیت علمی معتبری برخوردار نیستند، علوم انسانی مورد نظر سران جمهوری اسلامی در عمل و به واسطه همین حملات ضد علمی و دخالت مذهبی و ترویج جهالت، فاقد استانداردهای شناخته شده بین‌المللی است. اینها همان رشته‌هایی هستند که سران جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری با اخذ درجه دکترا، از آنها فارق التحصیل شده‌اند! ماجرای مخالفت با تدریس علوم انسانی دقیقاً در ضد انسانی بودن خود این حکومت نهفته است. حقیقتت عبران درسرخنان خامنه‌ای و بعداً اعوان و انصار و چاقو کشان حکومتی اش اعتراض به وجود سنگری عظیم و آشکار به نام سکولاریسم و دین ستیزی است که نه فقط دانشگاهها که کل جامعه را در بر گرفته است. نتیجه سی سال تبهکاری یک حکومت مذهبی است که با کل ذات بشر منافات دارد. جمهوری اسلامی بیش از سی سال است برای تثبیت جهل و خرافه، کهنه پرستی، زن ستیزی و کودک آزاری به جامعه خون می‌پاشد. تا به دانشگاه برگردد، پرونده خونینی از جنایات تکان دهنده در هیجده تیر، سرکوب وحشیانه مقاومت‌های دلیرانه در سیزده آذر و شانزده آذر را دارد که علیرغم همه اینها با پرچم "یا سوسیالیسم یا بربریت" مواجه شده است. با اعتراض و طغیان یک پارچه هزاران دانشجویی که دیگر نسل دوم وسوم پس از حکومت اسلامی بودند مواجه شده است. نه قبرستانی کردن، نه پادگانی کردن دانشگاه، نه ستاره دار کردن، نه کهریزکی کردن دانشجو، هیچکدام از این ترفندها و خونریزی‌ها این نسل شورشگر و این سیل بی تردید خروشان را از مبارزه باز نداشتند و نخواهد داشت. اعلام جنگ علیه دانشگاهها و علوم، اعلام جنگی علیه مردم است. و این جنگ تا سرنگونی حکومت تحجر و زذالت و چپاول ادامه دارد.*

**یک دنیای بهتر بر نامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**

بازتاب هفته

دعوا بر سر پول مترو: دزد ها بجان هم افتاده اند بهروز مهر آبادی

بعد از کشمکش بر سر تصاحب دانشگاه آزاد، دعوا بر سر پول متروی تهران بالا گرفته است. پروژه ساخت مترو در تهران و چند شهر بزرگ از ابتدای دهه ۶۰ مطرح بوده است. تاکنون میلیارد ها دلار خرج پروژه مترو شده و اخبار متعددی از سوء استفاده ها و چپاول های کلان از پول احداث مترو منتشر شده است. ریاست شرکت متروی تهران با محسن هاشمی فرزند علی اکبر هاشمی رفسنجانی است. از مدتی قبل جناح احمدی نژاد چشم طمع به بودجه های کلان و درآمد مترو دوخته است و تلاش دارد آنرا از دست خانواده رفسنجانی درآورد.

در آبان ماه سال گذشته احمدی نژاد در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد: "من تصمیم گرفته ام مدیریت مترو را به دولت برگردانم. دولت خود مدیریت مترو را بعهده می گیرد. من حتما این تصمیم را گرفته ام و حتما مدیر تعیین می کنم." اما این کار برای احمدی نژاد آسان نبود. رفسنجانی حمایت مجلس و همچنین قالیباف شهردار تهران را با خود داشت. در اسفند سال قبل مجلس اسلامی قانون اختصاص دو میلیارد دلار از حساب صندوق ذخیره ارزی برای کمک به متروی کشور را تصویب کرد. مصوبه مجلس با مخالفت "شورای نگهبان" روبرو شد. در دعوی بین مجلس و شورای نگهبان "مجمع تشخیص مصلحت" از مجلس حمایت کرد و این قانون به تصویب رسید. خودداری احمدی نژاد از ابلاغ و اجرای این قانون به کمیسیون اصل نود مجلس حواله شد و بالاخره قرار شد که لاریجانی آن را برای درج در روزنامه رسمی بفرستد و از این طریق آن را ابلاغ کند. این دعوا و کشاکش همچنان ادامه دارد. دعوا بر سر مترو نمونه دیگری از کشمکش و دعوی شدید و حل نشدنی دو جناح حکومت است. هیچ کدام پنهان نمی کنند که این جدال بر سر میلیاردها

دلار دسترنج و اموال مردم ایران و بر سر میلیارد ها دلار پول است. دولت و مجلس شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت همه رسمیت و صلاحیت یکدیگر را زیر سوال می برند. فرق نمی کند که توازن قوا به نفع چه کسی باشد و خامنه ای در این دعوا از کدام طرف حمایت کند. وقتی بحث بر سر میلیاردها دلار پول است و طرفین برای تصاحب آن دندان تیز کرده اند، دیگر کاری از ولی فقیه بر نمی آید. مخصوصا که خود جناب ولی فقیه نیز در این دعوا دخیل و ذینفع است و خانواده و بستگانش جزو دزدانی هستند که میخواهند هرچه بیشتر از این خوان بیغما چپاول کنند. حاد شدن دعواها و نزاعها بر سر اموال عمومی در واقع به خاطر زیر سوال رفتن کل سرنوشت حکومت است که حادثه شده است و به جدالهای خونین تری خواهد انجامید تا زمانی که انقلاب کار همگی شان را تمام کند و اموال حاصل از چپاول ها و دزدیهای عظیم را به نفع مردم محروم مصادره نماید.

دزدیهای هزاران میلیاردی باندهای حکومتی

محمد شکوهی

مسابقه بالا کشیدن ثروتهای عمومی توسط دولتتها و "آقازاده ها" سرعت سرسام آوری بخود گرفته است. مسابقه چپاول همیشه جزئی از حکومت بوده است اما هرچه حکومت موجودیت خودش را بیشتر در خطر می بیند دست اندرکارانش بیشتر به تقلای ثروت اندوزی های میلیاردی برای آینده شان می افتند. اخیرا غلامرضا کرد زنکنه رئیس سازمان خصوصی سازی رژیم در باره طرح واگذاری و معاملات بورس، نقش دولتی ها و به بیان خودش "شبه دولتی ها" یا "خصولتی ها"، دوز و کلک های شرعی و قانونی برای زمینیه چینی در باره بالا کشیدن ثروت های هزاران میلیارد تومانی سخنانی ایراد کرد که در نوع خود جالب و افسانگراانه بود. ایشان که به باند

مقابل جناح خامنه ای - احمدی نژاد وصل است؛ در سخنان خود اقدام به افشاگری بر علیه دولت و سازمان بورس و زد و بند های شرکت ها و گروههای وابسته به دولت کرد. وی گفت: زورمان به شبه دولتی ها نمی رسد. رانت نمی دهیم اما اگر بدهیم قانونی می دهیم، فروش سایپا مثل جریان ملانصرالدین شده است. در مورد شبه دولتی ها بر اساس ماده ۶ اصل ۴۴ سهم این نهادها و شبه دولتی ها را ۴۰ درصد در نظر گرفته بودند که میخواستیم به ۲۰ درصد کاهش دهیم اما زورمان نرسید! ایشان در ادامه به مورد ماجرای خرید و فروش سایپا و زد و بندهای شبه دولتی ها و شرکت های وابسته به آن اشاره کرده و می گوید: "گروه سایپا به ارزش ۱۵۸۳ میلیارد تومان توسط "گروه کارکنان سایپا" خریداری شد. این رویداد موجب شد تا دولت یا در واقع وابستگان دولت ۹۸۸ میلیارد تومان درآمد کسب کند." یعنی حدود یک میلیارد تومان فقط با این معامله بالا کشیده شده است! اینها فقط گوشه ای از افشاگریهای باند مقابل دولت است که در جریان بالا کشیدن ها و خرید و فروش کارخانجات و صنایع و سودهای کلانی که از قبل آن نصیب باندهای قدرتمند اقتصادی رژیم می شود، پرده بر میدارد. ابعاد این دزدیهای شرعی و قانونی باندهای دولتی و شبه دولتی وابسته به خامنه ای و احمدی نژاد و باند وابسته به بازار و شرکت های خصوصی وابسته به زیر مجموعه خاندان رفسنجانی به مراتب بیشتر از اینهاست. برگردیم به مورد سایپا. روز چهارشنبه هفته گذشته شرکت سایپا از زیر مجموعه های صنعتی بزرگ وابسته به ایران خودرو در بازار بورس به ارزش ۱۵۸۳ میلیارد تومان توسط "گروه کارکنان سایپا" خریداری شد! اما گروه کارکنان سایپا چه کسانی هستند؟ کدام شرکت ها و باندهای وابسته به حکومت پشت سر آن قرار دارند؟ خود مقامات بورس و دولت اعلام کرده اند که اینها شرکت های شبه دولتی هستند. در کنار این شرکتها گروههای وابسته به هیات مدیره سایپا، شورای اسلامی کار، تامین اجتماعی، حراست و نماینده

دولت و وزارت خانه های کار، صنایع و اقتصاد و دارایی و... می باشند. یعنی بیشترین سهام و سرمایه سایپا در دست این گروههاست که در رأس آن دولت و وزارتخانه های نامبرده قرار دارند. اینها دلار و پول نقد در اختیارشان هست. براحتی می توانند هر معامله ای را سازمان داده و حتی با اعمال فشار و زور کارخانجات را تصاحب بکنند. در مقابل "سازمان خصوصی سازی" که از زمان رفسنجانی برای "خصوصی سازی و واگذاری" تشکیل شد تا مدتی پیش عملا تحت تسلط باند رفسنجانی و دولت های خاتمی بوده است. الان که دعواهای حکومتی ها و دولتی ها به این عرصه کشانده شده است. باند خامنه ای - احمدی نژاد دارند زیر پای غول های اقتصادی و مافیای وابسته به رفسنجانی و بخش خصوصی و اعوان و انصار این دار و دسته را خالی می کنند. به همین خاطر فشار را اینجا گذاشته اند تا رقیب را هر چه بیشتر وادار به عقب نشینی به نفع جناح مقابل نمایند. کارکنان سایپا نام مستعار شرکتهای شبه دولتی وابسته به حکومت است که

اخیرا در معامله بزرگ بورس سایپا را خریده است. دولت احمدی نژاد - خامنه ای بزرگترین مسابقه دزدی قانونی و شرعی را رسماً سازمان داده و به اجرا گذاشته است. دولت و کارخانجات و صنایع وابسته به این باند حکومتی ماهها دستمزد کارگر را نمی دهند! با دادن وعده های توخالی نظیر "سهام عدالت" به کارگران، و فشار برای کارگران برای اضافه کاری و صرف نظر از بسیاری از مزایا، استشمار و بردگی مدرن اسلامی و سرمایه داری را بر کار و زندگی کارگران تحمیل کرده اند. در عوض آن خود صاحبان این صنایع و دولت و "شبه دولتی ها" سودهای میلیاردی در بورس به جیب می زنند. بدین ترتیب هم باندها و مافیای وابسته به دولت و هم باند رفسنجانی و... مشغول دزدی و چاپیدن ثروت های موجود می باشند. تنها انقلاب مردم و به زیر کشیدن این حکومت و مصادره اموال غارت شده است که میتواند این روند دزدی و چپاول عظیم و بی سابقه در تاریخ را متوقف کند و خواهد کرد.*

حزب سیاسی

متن سمیناری از حمید تقوایی بصورت زمینه
انترناسیونال به زودی منتشر میشود

لیست قربانیان سنگسار در جمهوری اسلامی ایران



تهیه کننده فرشاد حسینی
جولای ۲۰۱۰ تیر ۱۳۸۹

قزاقی علیا امیری از سنگسار در ایران

از انتشارات کمیته بین المللی علیه اعدام

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

اطلاعیه شماره ۱۰:

سعید ترابیان از زندان آزاد شد

همه کارگران زندانی باید از زندان آزاد شوند



همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویند. پرونده تشکیل شده برای سعید ترابیان و پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری باید لغو شود. تهدید و فشار بر روی فعالین کارگری باید متوقف شود و فعالین کارگری که بخاطر مبارزاتشان برای داشتن تشکل و برای خواستههای برحقشان از کار اخراج شده اند، از جمله کارگران اخراجی شرکت واحد و اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه باید فوراً به سرکارشان بازگردند.

سعید ترابیان آزاد شد، اما رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم

به گزارش سندیکای کارگران شرکت واحد، امروز ۲۹ تیر ساعت ۳ بعد از ظهر سعید ترابیان عضو هیات مدیره این سندیکا پس از ۴۲ روز بازداشت از زندان آزاد شد. سعید ترابیان روز ۱۹ خرداد بازداشت شده بود و به او اتهام اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام را وارد کرده اند. سعید ترابیان زیر فشار همبستگی جهانی کارگری از زندان آزاد شد.

کمپین برای آزادی کارگران، آزادی سعید ترابیان را به او، به خانواده و بستگانش، به سندیکای شرکت واحد و همه همکارانش و به

اطلاعیه شماره ۱۱:

جمهوری اسلامی با دستگیری و تهدید به اخراج، فعالین سندیکای شرکت واحد را زیر فشار گذاشته است

مینویسد: "با تمام فشارها و امنیتی کردن فضای کارگری، سندیکای شرکت واحد کماکان به دفاع از حقوق کارگران ادامه می دهد و از هیچ کوششی در راه دفاع از منافع کارگران دریغ نخواهد کرد. از کلیه نهادهای مدنی و حقوق بشری و سازمانها و اتحادیه های کارگری بویژه فراسوی بین المللی حمل و نقل (ITF) تقاضای پشتیبانی و همیاری بیشتری داریم."

کمپین برای آزادی کارگران زندانی همگان را به کارزاری گسترده برای آزادی کارگران زندانی و متوقف شدن فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری و لغو پرونده های قضایی آنان فرا میخواند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی فشار بر روی خانواده های کارگران زندانی و فعالین کارگری را شنیداً محکوم میکند. ما در کنار این خانواده ها با تمام قدرت برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکنیم. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۹ تیر ۸۸-۲۰ ژوئیه ۲۰۱۰

بکار گرفتند. علاوه بر آن ۳ نفر دیگر از اعضای سندیکای شرکت واحد به نامهای ۱- داود نوروزی ۲- عطا باباخانی ۳- امیر تاخیری که از مراجع قضایی و هیئت های هم عرض و حل اختلاف ادارات کار حکم بازگشت بکار گرفتند (و حکم آنان در مراحل اجرایی می باشد، اما تا کنون مدیریت شرکت واحد از اجرای حکم، استنکاف ورزیده و از بازگشت به کار این کارگران ممانعت کرده است و دو نفر دیگر از اعضای سندیکا نیز به نامهای آقایان ۱- عبدالله حسینی ۲- سید رضا نعمتی پور حکم اخراج گرفته اند. منصور اسانلو و ابراهیم مددی نیز همچنان در زنداند. حتی خانواده های این کارگران از فشار جمهوری اسلامی در امان نیستند. از جمله در همین ماه همسر فرزند منصور اسانلو خانم زویا صمدی دستگیر و مورد اذیت و آزاد قرار گرفت و این فشار باعث سقط فرزند دو ماهه او شد و همطور همسر رضا شهابی تلفنی به اداره اطلاعات احضار شده است.

در ارتباط با این فشارها سندیکای کارگران شرکت واحد طی اطلاعیه ای در ۲۸ تیر ماه

همانطور که مطلع هستید، رضا شهابی از اعضای هیات مدیره شرکت واحد هنوز در زندان است و گفته میشود که در بند ۲۰۹ اوین در بازداشت بسر میبرد. رضا شهابی در ۲۲ خرداد دستگیر شده بود و در این مدت تنها دو تماس تلفنی داشته است. سعید ترابیان یکی دیگر از کارگران بازداشتی شرکت واحد بود که امروز ۲۹ تیر بعد از ۴۲ روز زندان زیر فشار اعتراضات وسیع از زندان آزاد شد.

علاوه ۷ نفر از اعضای هیات مدیره و فعالین این سندیکا به نامهای ۱- علی اکبر پیر هادی ۲- حسن کریمی ۳- ناصر غلامی ۴- منصور حیات غیبی ۵- حسن میرزایی ۶- هادی کبیری ۷- حسین کریمی سبزواری همچنان از کار خود اخراج و در مقابل پیگیری های خود جوابی دریافت نکرده اند. این درحالیست که تحت فشار اعتراضات کارگران سندیکای واحد (، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی رای بر وارد دانستن شکایت آنان (داده است و از ۳۰ پرونده همسان، ۲۳ نفر آنها با همین رای به شعبات هم عرض ارجاع شده و در هیئت حل اختلاف حکم بازگشت

اطلاعیه شماره ۷: حراست نیشکر هفت تپه فریدون نیکوفر عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه را تهدید کرده است که اگر خانه سازمانی را تخلیه نکند وسایلش را به خیابان خواهند ریخت

ها همراهی کردند. باید از اعتراض این کارگران و خانواده هایشان وسیعاً حمایت کرد.

کارگران اخراجی سندیکای نیشکر هفت تپه باید فوراً سر کار خود بازگردند و پرونده های تشکیل شده برای آنان باطل شود. ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه با اعلام اعتصاب و تجمعات اعتراضی خود میتوانند نه تنها رهبران اخراجی خود را به سر کار بازگردانند و به تهدید و احضار آنان از سوی حراست و اطلاعات رژیم خاتمه دهند، بلکه میتوانند در صف جلوی اعتراض برای آزادی همه کارگران زندانی باشند.

کارگران نیشکر هفت تپه میتوانند با اعتراض متحدشان نگذارند که فریدون نیکوفر را بخاطر اینکه سخنگوی اعتراض کارگران بوده از خانه اش بیرون کنند. و اجازه ندهند که این کارگران چنین زیر فشار قرار گیرند.

کمپین برای آزادی کارگران از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده هایشان با تمام قوا حمایت میکند. یک نقطه قوت کارگران نیشکر هفت تپه همانطور که همیشه تاکید کرده ایم، اتحاد و همبستگی این کارگران است. صندوق همبستگی با کارگران اخراجی شکل مهمی از این همبستگی است. باید به هر شکل که میتوانیم به این صندوق کمک رسانیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، از کارگران نیشکر هفت تپه و همه کارگران و کل جامعه میخواهد که در کارزار جهانی برای آزادی کارگران زندانی و متوقف شدن فشار بر روی رهبران کارگری با تمام قدرت شرکت کنند.

کمپین مبارزه برای آزادی کارگران خواهان متوقف شدن فوری فشار و تهدید بر روی رهبران سندیکای نیشکر هفت تپه، باطل شدن پرونده های تشکیل شده برای این کارگران و بازگشت آنان بر سرکارشان است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۷ تیر ۱۳۸۸، ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۰

قبلاً به اطلاع رساندیم که ۶ کارگر اخراجی نیشکر هفت تپه علی نجاتی، رضا رخشان، فریدون نیکوفر، قربان علیپور، جلیل احمدی و محمد حیدری مهر به ترتیب ۱۶ ماه، ۶ ماه و بقیه بمدت ۹ ماه است از کار خود اخراج شده اند و در وضعیت معیشتی بسیار نابسامانی بسر میبرند. ۵ نفر از این کارگران ماهها در زندان بودند و رضا رخشان بارها بازداشت شده است.

این کارگران به اشکال مختلف زیر فشار قرار دارند. در ادامه این فشار حراست شرکت نیشکر هفت تپه از خانواده فریدون نیکوفر خواسته است که خانه ی سازمانی این شرکت را تخلیه نماید. و به او اعلام شده است که در صورتی که به زودی خانه سازمانی این شرکت را ترک نکنند، تمامی وسایل خانه اش را به خیابان خواهند ریخت و به شدت با وی برخورد خواهند کرد. باید با تمام قدرت در مقابل این تهاجم ایستاد.

همچنین تعدادی از فعالین کارگری در شرکت نیشکر هفت تپه را بخاطر فعالیت برای جمع آوری کمک مالی برای کارگران اخراجی سندیکای نیشکر هفت تپه تهدید کرده اند که اگر به کار خود ادامه دهند به اداره اطلاعات شوش احضار خواهند شد و آنها را تهدید به اخراج کرده اند. باید در مقابل فشارهای حراست برای متوقف کردن کار این صندوق ایستاد و وسیعاً به این صندوق کمک کرد.

فشار بر روی رهبران کارگری مقدمه ای است برای فشار بیشتر بر کل کارگران نیشکر هفت تپه. نباید فرصت داد. جمهوری اسلامی به این کارگران فشار می آورد تا سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را به تعطیلی کشاند. تا صفوف متحد کارگران این کارخانه را در هم شکنند. باید در مقابل این فشار ها ایستاد.

کارگران اخراجی نیشکر هفت تپه به اخراج خود اعتراض کرده و هیات حل اختلاف اداره کار را وادار به بررسی این خواست خود کرده اند. خانواده های این کارگران در ۱۵ تیر با تجمع خود در مقابل دفتر اداره کار شهرستان شوش اعتراض همسرانشان به اخراج

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

اطلاعیه شماره ۵: احضار صدیق کریمی و فواد کیخسروی را به دادگاه قویا محکوم میکنند

کارگر زندانی آزاد باید گردد



بودند، اکنون بعد از این دستگیری خطر اخراج تهدیدشان میکند. با کارزاری گسترده و جهانی باید در مقابل این تعرضات ایستاد. ۶ کارگر زندانی منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، سعید تریان، بهنام ابراهیم زاده، مهدی فراهی شاندینز باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده قضایی برای کارگران فواد کیخسروی، و صدیق کریمی و ۶ کارگر سرشناس نیشکر هفته تپه، علی نجاتی، رضا رخشان، فریدون نیکوفر، قربان علیپور، جلیل احمدی و محمد حیدری مهر که احکام اخراج از کار گرفته اند باید فوراً لغو شود و این کارگران به سرکارشان باز گردند. به هر شکل که میتوانید با کمپین برای آزادی کارگران زندانی همکاری کنید. برای آزادی این

نیست. سعید تریان از بیماری قلبی رنج میبرد و در سال گذشته دو بار دچار سکته قلبی شده است. بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری و دفاع از حقوق کودکان از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است و زیر شکنجه جانان جمهوری اسلامی، دو دنده او و یک پایش شکسته و نیاز به معالجه فوری دارد و مهدی فراهی شاندینز نیز در همین خرداد ماه دستگیر شده است و وضعیتش ناروشن است. این در حالیست که منصور اسانلو و ابراهیم مددی دو چهره شناخته شده کارگری و از رهبران سندیکای شرکت واحد در زندانند. یک معضل دیگر در رابطه با این کارگران فشار اقتصادی بر روی خانواده هایشان است. کارگران شرکت واحد که بعد از کشاکش های بسیار به سرکار خود بازگرداند شده

ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز ۲۹ تیر صدیق کریمی عضو هیات مدیره و فواد کیخسروی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران به شعبه اول دادگاه انقلاب سندانج حاضر شدند. صدیق کریمی و فواد کیخسروی از فعالین کارگری سرشناس و محبوب در شهر سندانج هستند. این کارگران در اول مه امسال توسط مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی، به اتهام تلاش برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بازداشت شدند و در دادگاه به جرم عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران، به آنان اتهام اقدام علیه امنیت ملی وارد شد و برایشان قرار محاکمه برای روز ۲۹ تیر تعیین گردید. علاوه اینکه اکنون بیش از یکماه است که سعید تریان و رضا شهابی از کارگران شرکت واحد در زندانند و خبری از آنها در دست

افکار جهانی را وسیعاً به حمایت از کارگران ایران جلب کنید. خود را فعال این کمپین بدانید و به هر شکل که میتوانید با آن همکاری کنید. کمپین برای آزادی کارگران زندان کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
۲۵ تیر ۸۸ - ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۰
شهلا دانشفر:
00447779898968
بهرام سروش:
00447852338334

کارگران و در اعتراض به احضار فعالین کارگری طومار اعتراضی جمع کنید. در تجمعات خانواده های کارگران زندانی شرکت کرده و به صندوق های مالی کمک به کارگران در میان خود کارگران شکل گرفته است، یاری کنید. در سطح جهانی تلاش کنید که با اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست تماس برقرار کنید و بخواهید که به این کمپین بپیوندند. در هر شهری که هستید، با برپایی میزهای اطلاع رسانی و خبر رسانی

پایان دادن به ناامنی محیط کار، خواست فوری و عاجل کارگران است

اولین شماره کمونیسیم کارگری نشریه تئوریک سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران به سردبیری محسن ابراهیمی منتشر شد. نشریه کمونیسیم کارگری بزودی بصورت چاپی در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. برای مطالعه نسخه اینترنتی نشریه به سایت زیر مراجعه کنید.

www.wpiran.org/komonism-k/kk-index.htm

کمونیسیم کارگری

نشریه تئوریک سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

تیر ماه ۱۳۸۹، ژوئیه ۲۰۱۰

- انقلاب چگونه به پیش میرود؟
- راست و چپ در دوره انقلاب
- سال ۸۸ و جایگاه جنبش کارگری
- عارکس و انقلاب در ایران
- بازخوانی مجدد "تاریخ در باره فورتراج"
- بحثی در مورد نفت و ناسیونالیسم
- کمونیسیم کارگری و انقلاب
- انقلاب انسانی: در ایران، با تکیه کوتاه به "انقلاب برهمن" در روسیه
- روایت یک مدافع سرمایه داری از بنای جمهوری اسلامی
- در نده نظرات روند ابراهیمیان
- نقش مذهب و ناسیونالیسم در حاکمیت سیاسی
- نقشه برای تاریخ معاصر ایران
- انقلاب ایران و تفسیر پارادایم جهانی
- در دفاع از عدلیت انقلاب

هایشان را به اعتراض گسترده نسبت به بی توجهی کارفرمایان به ایمنی محیط کار و عدم سرمایه گذاری در این زمینه فرا می خواند. ایمنی محیط کار باید در دستور فوری مجامع عمومی کارگران قرار گیرد. از میان خود هیاتهایی را برای ثبت مواردی که جان و سلامتشان را به خطر می اندازد تعیین کنند و نتیجه آنرا به موضوع قطعنامه و اعتراض خود تبدیل کنند. کارفرما موظف است که ایمنی محیط کار کارگر را تامین کند. محیط های کار باید به آخرین امکانات ایمنی با استانداردهای بین المللی شناخته شده مجهز گردد. هرگونه تعلل در این امر مستقیماً جان کارگران و زندگی و معیشت خانواده های آنان را مورد هدف قرار می دهد. و جنایت محسوب میشود. زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

این آمار قطعاً قابل اعتماد نیست و رقم صدمات و آسیبهای های ناشی از عدم ایمنی کافی، بارها بیشتر از آمارهای سانسور شده جمهوری اسلامی است. تلفات و صدمات ناشی از نایمن بودن محیط کار، فشار طاقت فرسای کارفرمایان بر کارگران و اجبار به کارهای سخت و زیان آور، افزایش ساعت کار و یا اضافه کاری اجباری، محیط های آلوده به مواد شیمیایی و دودزا، نبودن وسایل و دستگاه هایی که فشار فیزیکی و جسمی بر کارگران را کاهش دهد، عدم اجرای استانداردهای شناخته شده بین المللی برای ممانعت از بروز حوادث، لطمات جبران ناپذیری را به طبقه کارگر در ایران وارد می آورد. کارگران و خانواده های آنان، کارفرمایان و حکومت جمهوری اسلامی را مسئول مستقیم این حوادث و فجایع می شناسند. حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت و ابراز همدردی عمیق با این کارگران و با خانواده های شریف و زنجبدیده آنان؛ کارگران و خانواده

طبق اخباری که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است. ف.شاه محمدی، کارگر ۳۵ ساله دارای همسر و سه فرزند در شهر دیواندره درحین کار، بدلیل نبود امکانات ایمنی درمحل کار، از پشت بام خانه سقوط کرد و بطرز دلخراشی جان باخت. در شهر سقز نیز در دو حادثه دلخراش جداگانه، یک کارگر دیگر چند روز پیش در ساختمان محل کارش جان خود را از دست داد. همچنین صلاح مروتی جوان ۲۰ ساله، در اثر ناامنی محیط کار دچار برق گرفتگی شد و جان باخت. اینها فقط نمونه هایی از موارد بسیار قربانی شدن کارگران در اثر ناامین محیط کار در ایران است. سوجدویی کارفرمایان و دولت محیط های کار را به قتل گاه کارگران تبدیل کرده است. بنابراین اعترافات رسمی و گزارش سازمان تأمین اجتماعی کشور، فقط در سال گذشته بیست هزار نفر در حوادث ناشی از کار آسیب های جدی دیده اند و بیش از صد نفر بر اثر ناامنی ایجاد شده در محیط کار جان باخته اند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

زنان گرجستان علیه سنگسار پیا خاستند تظاهرکنندگان در همبستگی با زنان ایران حجابها را به آتش کشیدند!

تهیه کننده گزارش حسن صالحی

فیلمبرداری کردند. این گروه از زنان گرجستانی تصمیم دارند که در روز جهانی سکینه، ۲۴ ژوئیه، از ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در تفلیس مجدداً دست به اعتراض بزنند.

مبارزه علیه استبداد و بی حقوقی زنان، اعدام و سنگسار مرزی نمی شناسد. زنان گرجستان به همراه چند صد هزار نفری که تا کنون در کمپین جهانی نجات سکینه به اشکال مختلف مشارکت داشته اند، و همچنین قیل از این ابراز همبستگی اهالی کابل و جلال آباد افغانستان با مردم ایران، همگی گواهی تقویت صف جهانی آزادیخواهی و برابری طلبی در مقابل استبداد مذهبی در ایران است. بدون شک این دستمایه بسیار گرانبغدی برای مردم ایران محسوب می شود و راه موفقیت و پیروزی مردم ایران را بیشتر هموار خواهد کرد. به همه زنان و مردانی که در کارزار جهانی نجات سکینه شرکت داشته اند و بویژه زنان گرجستانی درود می فرستیم و امیدوارم که این همبستگی عظیم انسانی بر استبداد و

ستیز جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. در پلاکاردهایی که زنان در دست داشتند، علاوه بر شعارهای یاد شده، از جمله این شعارها نقش بسته بود: "در همبستگی با زنان ایران"، "بدن من مایملک تو نیست"، "حکومت را بریدن سنگسار شده من بنا نکن"، "بدن من به خودم تعلق دارد!"، "دستهای مذهبی ات از بدن مقدس من کوتاه"، "من با تو سکس داشتم چرا من را سنگسار نکردی؟"، "همه زنان خواهران یکدیگر هستند!". زنان شرکت کننده در این گردهمایی اعتراضی، ناخن های خود را لاک زده بودند و همچنین عینکهای تیره آفتابی به چشم داشتند، کارهایی که انجام آن برای زنان ایران ممنوع است.

این تظاهرات حمایتی سمبولیک که حدود ۲۰ دقیقه بطول انجامید توانست توجه رهگذران و ماشینهایی را که از مقابل محل تظاهرات عبور می کردند به خود جلب کند. مامورین سفارت از داخل ساختمان سفارت نظاره گر این اعتراض بودند و از دقایق آخر آن

به گزارش نهاد برای ایرانی آزاد، روز ۱۹ ژوئیه گروهی از زنان گرجستان با برپایی یک گردهمایی اعتراضی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در تفلیس، پایتخت گرجستان، همبستگی خود را با مبارزات زنان ایران ابراز داشتند. در این گردهمایی که بدنبال پخش خبر محکومیت به سنگسار و اعدام سکینه محمندی آشتیانی و در ارتباط با کمپین جهانی نجات وی انجام می گرفت، زنان گرجستانی نسبت به خشونت رژیم اسلامی علیه زنان و مجازات سنگسار و حجاب اجباری دست به اعتراض زدند.

تظاهرکنندگان که از آغاز حجاب به سر داشتند پس از مدتی حجابها را از سر گرفتند و به نشانه اعتراض به جداسازی جنسی در ایران و خشونت دولتی علیه زنان در ایران، حجاب های خود را به آتش کشیدند. زنان گرجستانی با سردادن شعارهایی نظیر مرگ بر دیکتاتور، کشتار زنان را متوقف کنید و قیمت هر سنگ چنده؟ نفرت و بیزاری خود از حکومت زن



مرآجه کنید:

<http://www.youtube.com/watch?v=Ec8yaxsSKfI&feature=p>

زن ستیزی در منطقه و همه جای دنیا نقطه پایانی بگذارد.

برای دین فیلم تظاهرات زنان گرجستان می توانید به این لینک

مردمی که از استبداد و بی حقوقی و فعال مایشائی مذهب و مذهبیبون به تنگ آمده اند، مردمی که از فقر و ناامنی و چپاول و افق تاریک جامعه در خشم اند، کارگران، زنان و جوانانی که حق و حقوق مسلم خود را طلب می کنند، اینها مترصدند کاری را که آغاز کرده اند به سرانجام نهای آن برسانند. رژیم اسلامی راه پس و پیشی در مقابل خود ندارد و باید برود. این رژیم تا همین امروز نیز با اعتراضات و خیزش انقلابی مردم به لبه پرتگاه سرنگونی رانده شده است.

دوره ما مردم شروع شده است در پس دست و پازدنه های جناحهای مختلف رژیم برای بقا، صغیر جماعتی وحشت زده را میشود شنید که دیگر از نجات خویش قطع امید کرده است. این جنبش انقلابی مردم ایران است که امید تغییر در جامعه را شعله ور نگه داشته است. سرنگونی کامل جمهوری اسلامی و نظام ولایت بخشی از این تغییر است که توسط مردم رقم زده خواهد شد و بی گمان راه را برای پی افکندن یک جامعه آزاد و برابر و انسانی هموار خواهد کرد.

عده ای نیز با تضعیف موقعیت ولی فقیه، فیلسان یاد هندوستان کرده و این را گامی در "اصلاح جمهوری اسلامی" قلمداد میکنند و از جمهوری اسلامی بدون ولایت فقیه حرف می زنند. منظورشان اینست که کار عقب راندن جمهوری اسلامی به همینجا خاتمه یابد و حکومت سرچایش بماند اما بدون ولی فقیه. حتی محمد خاتمی نیز که تاکنون از گل نازک تر به رهبر نگفته بود امروز لب به انتقاد گشوده است و از جمهوریت نظام اسلامی و مشروعیت آن حرف زده است و گفته است که "پیامبر و امامان هم بدون رضایت مردم حکومت نمی کردند!" اینها عادات دارند و فی الواقع تقششان این است که پشت سر مردم خود را پنهان می کنند تا راه حل جدیدی برای نجات نظام اسلامی بیابند، راه حلی که به زعم خودشان متضمن نوعی از سازش و کنار آمدن با مردم باشد تا مبادا بساط همه اینها توسط انقلاب مردم از بیخ و بن جارو شود. چه دست بردن خامنه ای به تمام سرمایه الهی ولایت مطلقه برای حفظ موقعیت جناحی خود و نجات نظام اسلامی و چه ابراز نگرانی جناح رقیب از بی مصرف شدن نمایشات انتخاباتی

اما آنچه غیر قابل انکار است اینست که ضربات کاری انقلاب مردم به ولی فقیه گامی در جهت در هم کوبیدن کل ماشین جنایت حاکم است. زیر سوال رفتن و به ذلت افتادن خامنه ای پایان کار نیست بلکه آغاز کار است. جامعه ایران تشنه تغییرات اساسی است. مردم نه با بگیر و ببند حکومت و خط و نشان کشیدنیهای دستگاه ولایت مرعوب می شوند و نه خواهان بازگشت به دوره امام و التزام به قانون اساسی هستند. مسئله مردم کل نظام اسلامی است که ۳۱ سال است زندگی آنها را به یک جهنم واقعی تبدیل کرده است. مردمی که از اسلامیت و ارتجاع فرهنگی به تنگ آمده اند،

عده ای نیز با تضعیف موقعیت ولی فقیه، فیلسان یاد هندوستان کرده و این را گامی در "اصلاح جمهوری اسلامی" قلمداد میکنند و از جمهوری اسلامی بدون ولایت فقیه حرف می زنند. منظورشان اینست که کار عقب راندن جمهوری اسلامی به همینجا خاتمه یابد و حکومت سرچایش بماند اما بدون ولی فقیه. حتی محمد خاتمی نیز که تاکنون از گل نازک تر به رهبر نگفته بود امروز لب به انتقاد گشوده است و از جمهوریت نظام اسلامی و مشروعیت آن حرف زده است و گفته است که "پیامبر و امامان هم بدون رضایت مردم حکومت نمی کردند!" اینها عادات دارند و فی الواقع تقششان این است که پشت سر مردم خود را پنهان می کنند تا راه حل جدیدی برای نجات نظام اسلامی بیابند، راه حلی که به زعم خودشان متضمن نوعی از سازش و کنار آمدن با مردم باشد تا مبادا بساط همه اینها توسط انقلاب مردم از بیخ و بن جارو شود. چه دست بردن خامنه ای به تمام سرمایه الهی ولایت مطلقه برای حفظ موقعیت جناحی خود و نجات نظام اسلامی و چه ابراز نگرانی جناح رقیب از بی مصرف شدن نمایشات انتخاباتی



فتوای خامنه ای و ... از صفحه ۱

حسن صالحی

پایین آورده است. هیچگاه رهبر جمهوری اسلامی به این اندازه خوار و ذلیل نبوده است. بی اعتباری و موقعیت لزان خامنه ای چنان است که او اخیراً در پاسخ به ستوالی معنای التزام به ولایت فقیه را اطاعت بی چون و چرا از دستورات خود قلمداد کرده است. او در پاسخ به یک استفتا یا سوالی که معلوم نیست چه کسی مطرح کرده است جواب میدهد "ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت است و شعبه ای است از ولایت ائمه اطهار که همان ولایت رسول الله می باشد و همین که از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین اطاعت کنید، نشانگر التزام کامل به آن است" (ایلنا- ۲۹ تیر ۱۳۸۹) دیکتاتور تک و تنها به کمک خود شتافته است و بعنوان "ولی امر مسلمین" اطاعت از خود را واجب دانسته است! همه می دانند که در جریان خیزش انقلابی اخیر، خامنه ای و نفس ولایت فقیه آماج مستقیم حملات مردم بوده است. مردم در

خیابانهای شهرهای مختلف شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر اصل ولایت فقیه سر دادند و آشکارا نفرت و بیزاری خود را از ولایت مطلقه مذهبی و دیکتاتوری اسلامی ابراز داشتند. خامنه ای نه فقط در انتظار مردم ایران به عنوان یک جنایتکار و قاتل مورد نفرت و اعتراض قرار گرفت که در سطح جهانی نیز بعنوان دیکتاتور سال معرفی شد. در صفوف خود جمهوری اسلامی نیز نقش و موقعیت خامنه ای هر چه بیشتر مورد ستوال قرار گرفت است. عده ای او را فرد صالحی برای پست ولی فقیه نمی دانند و می گویند باید عزل شود. وضع اکنون به گونه ای است که پرووکاتورهایی راست نیز نمی توانند با قییل و قالشان و حزب الله چرخانی های خیابانی کمکی برای "آقا" باشند و خامنه ای اینبار با صدور "حکم حکومتی" مبنی بر اطاعت بی چون چرا از ولی فقیه به کمک خود شتافته است.

تحریم ها و اقتصاد زیر زمینی

بهروز مهرآبادی



تحریم های بین المللی بر علیه جمهوری اسلامی وارد مرحله تازه ای شده است. این تحریم ها با هدف فشار آوردن به جمهوری اسلامی برای متوقف ساختن عملیات غنی سازی اورانیوم و پایان دادن به اقدامات این رژیم برای دستیابی به سلاح هسته ای انجام میشود. روز نهم ژوئن شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه چهارم تحریم بر علیه ایران را تصویب کرد و آمریکا تحریم های یک جانبه خود را آغاز کرده است. وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا نیز قرار است در مورد تشدید تحریم ها در نشست هفته آینده خود تصمیم گیری کنند. قبلا رهبران اتحادیه اروپا در این مورد به توافق رسیده اند و تصویب این توافقات قطعی بنظر می رسد. این تحریم ها صنعت نفت و گاز ایران را در برمی گیرد. بخش های بازرگانی، بانکداری، بیمه، و هواپیمایی و ترابری در برنامه تحریم اتحادیه اروپا قرار دارد. تحریم ها تا بحال تاثیرات خود را در اوضاع اقتصادی ایران گذاشته است. عملی شدن تحریم ها موجب شده که تعداد بیشتری از کارخانه ها تعطیل شده و یا در معرض تعطیلی قرار بگیرند. سیستم بانکی دچار اختلال شده و قیمت اجناس روز بروز افزایش پیدا می کند. تنها راه حل جمهوری اسلامی برای مقابله با تحریم ها گسترش اقتصاد زیر زمینی است. بر اساس لایحه تحریم آمریکا که به تصویب کنگره این کشور رسیده است. هر فرد حقیقی و حقوقی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در عرصه نفت و انرژی ایران سرمایه گذاری کند، مورد مجازات آمریکا قرار می گیرد. به همین دلیل بیشتر معاملات ایران از طریق شرکت های واسطه و صوری و در بازار سیاه انجام می شود. وزارت اطلاعات و دولت ایران شرکت های زیادی در سراسر جهان ایجاد کرده است که پائین بودن حجم

معاملاتشان آنها را از مقاربات تحریم خارج می کند. رژیم هیچ ابائی از جعل اسناد، پرداخت رشوه، قاچاق و تقلب ندارد و در این امور خبره است. به گفته حسین اسلامی نایب رئیس مجلس ۷۰ درصد واردات کشور با رانت ها و ضوابط غیرقانونی صورت می گیرد. یعنی بخش بزرگی از صادرات کشور در هیچ کجا ثبت نمی شود و قابل کنترل و جلوگیری نیست.

بیشترین سود این وضعیت در درجه اول نصیب دلال ها و واسطه ها و سران سپاه پاسداران خواهد شد. نیوزویک در یکی از شماره های اخیر خود گزارشی از گسترش امپراتوری سپاه پاسداران بر بازار سیاه تجارت ایران داد. از بنادر سپاه که هیچگونه نظارتی و حساب و کتابی ندارد همه نوع محصولات از مواد خوراکی و پوشاک گرفته تا تلفن موبایل و ماشین آلات صنعتی کوچک وارد می شود. سپاه از سالهای جنگ با عراق با ایجاد یک سیستم مافیائی در عرصه های اقتصادی گوناگون فعالیت خود را آغاز کرده است. در دوره تحریم رژیم صدام حسین [بخش زیادی از نفت عراق توسط سپاه پاسداران بطور قاچاق به فروش می رسید و آمریکا کنترل آن را نداشت. حالا هم آمریکا و اتحادیه اروپا نمی توانند کنترل زیادی به اجناسی که از طریق قاچاقچی ها به ایران فرستاده می شود، داشته باشد.

بخشی از واردات ایران از طریق کشورهای همسایه ایران انجام می شود. از جمله آنها می توان ترکیه و جمهوری آذربایجان و کردستان عراق را نام برد. تصاویر تانکرهای حامل بنزین که از کردستان عراق و ترکیه عازم ایران هستند و در صفا طولانی منتظر نوبت خود برای خروج از مرز هستند، روی سایت های اینترنتی منتشر شده است. کشورهای همسایه ایران خود گرفتار بحران های اقتصادی هستند و با وجود روابط نزدیک با آمریکا نمی توانند از سود های هنگفت معامله با ایران بگذرند. دولت آمریکا هم چاره ای ندارد جز اینکه چشمان خود را ببندد و به رو بیاورد. تحریم ها برای سپاه پاسداران،

بخش بزرگی از بازار و آیت اله های میلیاردر یک نعمت آسمانی است و ثروت های بیشتری نصیب آنها می کند. اما یک نتیجه مهم آن وارد آمدن فشار بیش از پیش به مردم ایران بویژه کارگران و سایر مزدبگیران است. گرانی و کمبود کالا، قاچاق و بازار سیاه رشد نجومی خواهد یافت. افزایش فقر و فلاکت و بالا گرفتن امواج اعتراضات مردم حتی خواهد بود. از سوی دیگر دور افتادن رژیم از چرخه اقتصاد جهانی، افزایش شدید بحران اقتصادی، انزوای سیاسی و تعمیق بحران و تشنگی درونی رژیم می تواند از نتایج بلاواسطه این وضعیت باشد. رژیم تلاش می کند بار و فشار تحریم را بدوش مردم بیندازد. لقمه را از دهان کودکان و زنان و مردان می گیرد تا جیب عوامل خود را پر کند. اما مردم در مقابل حکومت اسلامی ایستاده اند و به شکل های گوناگون با آن مبارزه می کنند تا روزی که بتوانند آن را سرنگون کنند.

تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته ای و واکنش دولت های غرب، مذاکرات و کشمکش ها یک موضوع مهم مورد بحث در محافل و نهاد های بین المللی و رسانه های مهم دنیا در چند ساله اخیر بوده است. شکی نیست که حکومت اسلامی مسلح به بسبب اتم وحشی تر و جری تر خواهد بود و خطر آن برای مردم ایران و جهان بیشتر از پیش می شود. اما اگر به همین میزان و در همین سطح جنایات سی و یک ساله رژیم در معرض چشم مردم دنیا قرار می گرفت، اگر جمهوری اسلامی بخاطر اعدامها، سنگسارها، شکنجه و تجاوز و سرکوب میلیونها نفر در طول حکومت ۳۱ ساله اش در نهاد های بین المللی محکوم می شد و منزوی و طرد می گشت، اگر حمایت از مبارزات مردم ایران افزایش می یافت، بدون شك عمر رژیم کوتاهتر از این می بود. فشارهایی که صرفا بخاطر فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی به این رژیم وارد می شود، نمی تواند و در واقع قرار نیست تاثیر مثبتی در وضعیت مردم ایران داشته باشد و از دولت های سرمایه داری طرف معامله با رژیم حاکم بر ایران نمی توان انتظار داشت

که ارزشی برای زندگی و جان مردم ایران قابل باشند و بجز منافع و بند و بست ها و معاملاتشان به چیز دیگری فکر نکنند. مساله اینست که ما مردم اجازه ندهیم که بار این فشارها و تحریمها را روی دوش ما بیندازند. بیکاری و فقر و فلاکت و همچنین نا امنی را باید با جنبش اعتراضی علیه حکومت اسلامی پاسخ داد. ما مردم سر سوزنی در اهداف جمهوری اسلامی برای دست یابی به سلاح اتمی سهیم نیستیم. بر عکس هر قدم مجبزه شدن

شکست دیگری برای جمهوری اسلامی جلسه سفارت رژیم در برلین لغو شد

جمهوری اسلامی اعلام کرد. این شکست دیگری برای سفارت جمهوری اسلامی در آلمان و موفقیتی برای مخالفین جمهوری اسلامی و همه انسانهای آزادیخواهی است که با اعتراض و مقاومت خود شهرداری برلین را ناچار به لغو این جلسه کردند. نه تنها نباید به حکومت جانینان اجازه هیچگونه سخنرانی داد بلکه باید سفارتخانه ها و سایر مراکز رژیم قاتلین اسلامی، رژیم سنگسار و شکنجه را در همه جا در هم پیچید. این خواست مشروع مردم ایران و بخشی از مبارزه برای به سرنگونی حکومت مغفور اسلامی است. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان ۱۶ جولای ۲۰۱۰، ۲۵ تیر ۱۳۸۹

معاون فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی در برلین حدود دو هفته پیش در تماسی با برخی از مقامات شهرداری برلین و مسئولان امور فرهنگی این شهر گفته بود که در نظر دارد یک "نشست فرهنگی" در اواسط این ماه برگزار نماید. با درز این خبر به بیرون اعتراض به برگزاری این نشست شروع شد. جمع هایی از گروههای آلمانی و مخالفان جمهوری اسلامی با نوشتن نامه اعتراضی و تلفن به شهردار برلین و مسئولان امور فرهنگی این شهر اعتراض شدید خود را به برگزاری این نشست اعلام کردند و خواهان اعلام دلایل شهرداری برلین به موافقت با تقاضای سفارت جمهوری اسلامی شدند. شهرداری برلین سرانجام بدلیل اوج گیری اعتراض مخالفت خود را با برگزاری جلسه سفارت

سایت حزب: www.wpiran.orgسایت روزنه: www.rowzane.comسایت کانال جدید: www.newchannel.tvنشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

چند خبر کارگری

اقدام یکپارچه کارگران
سازمایه مدیران دولتی را عقب
نشانند

کارگران اخراجی شرکت سازمایه پاکدشت از صبح چهارشنبه سی ام تیر حوالی ساعت هشت صبح طبق قرار قبلی در محل این کارخانه حاضر شدند. آنها که تعدادشان حدود ۲۰۰ نفر بود خواهان بازگشت بی قید و شرط به کار و همچنین دریافت مطالبات خود شدند. اما با جواب سربلای مدیریت این شرکت روبرو شدند. به گزارش خبرنگار آژانس ایران خیر این مدیران که از دار و دسته احمدی نژاد هستند نه تنها به درخواست ها و مطالبات کارگران رسیدگی نمی کنند، بلکه بصورت باندهای مافیایی حقوق و دارائی های کارخانه و کارگران را به یغما برده اند. هر کدام از این کارگران معترض بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان از شرکت طلب دارند که تماما حقوق معوقه آنهاست. با شروع این تجمع اعتراضی در داخل کارخانه، سپاه، اطلاعات، نیروی انتظامی به کارخانه گسیل شدند و در حمایت ازگران قصد داشتند کارگران را ناچار کنند کوتاه آمده و تجمع خود را پایان بدهند اما کارگران ایستادگی کردند و تا ساعت ۱۱ به تجمع خود ادامه دادند. در این میان مدیریت کارخانه که به پشت گرمی سپاه و اطلاعات و سایر همدریف هایشان در پست های دولتی به چپاول و یغما حق کارگران مشغول هستند محل را ترک کردند. اما آنچه در این حرکت کارگری چشمگیر و جدید بود تصمیم کارگران برای به دست آوردن مطالبات شان بود. به این ترتیب که کارگران اعلام کردند در صورتی که حقوق و مطالبات عقب افتاده شان داده نشود، از روزشنبه، ۳ مردادماه کارخانه را از طریق روزنامه ها به مزایده میگذارند و اگر تا یک هفته کسی کارخانه را نخرید، خود کارگران بصورت جمعی کارخانه را به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان میخرند و خودشان صاحب کارخانه میشوند. دولت هم باید باقی مطالبات آنها را بدهد. اعضای شورای تامین استان هم که وضعیت را به این صورت دیدند مستمر در حال رفت و آمد بودند و در هراس از ایستادگی کارگران، با درماندگی نمی دانستند چکار کنند. صحنه آخر این حرکت شجاعانه کارگران با پیروزی این زحمت کشان مقاوم به پایان رسید. به این ترتیب معاون فرمانداری از طرف رئیس

دادگستری و فرماندار مامور شد که یک میلیون و ام دریافت کرده و حقوق کارگران را بپردازند و از طرف کارگران نیز چند نفر نماینده شدند که برای مزایده معدنهای کارخانه اقدام کنند. رئیس دادگستری وعده داد که پیگیری خواهد کرد که حقوق کارگران طی ۱۰ روز آینده پرداخت گردد.

کارگران که به تجربه در این سالیان می دانند با وجود این وعده ها نباید از تلاش و اقدامات خودشان کم کنند اعلام کردند نمایندگان کارگران از شنبه دوم مرداد دنبال کارشناس میروند تا برای قیمت گذاری اقدام کند. نماینده گان کارگران اظهار داشتند که میدانند که این دولت مساله ای از آنها حل نمیکند و دروغ میگویند و فقط وقت میخرند. آنها افزودند که ما نیز تا آخرین توانمان پیگیر هستیم که حق و حقوق خود را از این ظالمان بگیریم. کارگران این کارخانه که طی چند ماه گذشته سختی های بسیاری را تحمل کرده اند امروز با ایستادگی و یکپارچگی خود به پیروزی دست یافتند.

تجمع اعتراضی کارگران
بازنشسته تامین اجتماعی

یکشنبه ۲۷ تیر حدود هشتصد نفر از بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به سطح نازل حقوق هایشان و طرح فرانشیز یوبلی شدن درمان آنان در مراکز درمانی تامین اجتماعی که باید درصد بابت آن پرداخت کنند، در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. این چندمین بار بود که این کارگران برای خواستهایشان تجمع میکردند. زیر فشار اعتراض کارگران قرار شد چند نفری از آنان جهت مذاکره با کمیسیون اصل نود نشستنی داشته باشند که بعد طرح مسایلشان سرانجام به آنان قول رسیدگی به خواستهای کارگران داده شد. کارگران پیگیر خواستهایشان هستند. در همین روز تعداد صد نفر از کارکنان میراث فرهنگی نیز در این محل تجمع داشتند. قضیه از این قرار بود که به آنان گفته شده بود که در تهران به نیروی آنها نیازی نیست. یا آنها را به شهر دیگری که میراث فرهنگی تعیین میکند انتقال خواهند داد و یا باید باز خرید شوند.

کارگران بی آرتی شرکت
واحد تهران خواهان سه ماه
دستمزد معوقه خود هستند

بنا به گزارشهای منتشر شده تعداد بسیاری از کارگران بخش بی آرتی شرکت واحد سه ماه است که دستمزد خود را دریافت نکرده اند. این کارگران حقوق ماه های فروردین اردیبهشت و خرداد خود را طلب دارند. بیشتر این کارگران افرادی هستند که در ایستگاه های مختلف بی آرتی به عنوان مامورین راهنما و کنترل بلیط مسافران مشغول فعالیتند و در روز دوازده ساعت کار میکنند. یکی دیگر از مشکلات این کارگران سرویس بد غذایی و شرایط ناسامان بهداشتی در ایستگاههاست. بطوریکه حتی یک صندلی برای لحظه ای نشستن در اختیار ندارند. بدین ترتیب فشار کار آنها بالا و دستمزدشان بسیار ناچیز است. فضای اعتراض در میان این کارگران بالاست و کارگران بی آرتی شرکت واحد خواهان دستمزدهای معوقه خود هستند.

پرتاب یک کارگر افغان از
ساختمان

گزارش دریافتی از تهران امروز صبح ۱۸ تیر به سر کار میرفتم که دیدم آمبولانسی ایستاده بود، سرو صدا و داد و فریاد توجه ام را جلب کرد. تازه متوجه شدم، چه خبر است. اتفاق تکان دهنده ای بود. به چشم خود دیدم. گشتاپوهای حکومت فاشیست اسلامی به شکار کارگران افغان آمده بودند و در این ماجرا کارگری را هم از بالای ساختمان به پایین هول دادند که دست و پایش شکست. التماس میکرد، و میگفت صبر کنید، فقط بگذارید لباسهایم را عوض کنم و مقداری پول بردارم، اما به او فرصت ندادند. باقی کارگران افغان نیز که آنجا کار میکردند هر کدام به طریقی فرار میکردند. اینها از نازیبست های هیتلر هم وحشتی ترند. خلاصه نمایانید چه حالی داشتم. کارگران افغان، کارگرانی که از یکسو قربانی سیستم کثیف سرمایاداری در سخت ترین شرایط کار میکنند و استثمار میشوند و از سویی دیگر چنین جان و زندگی شان در خطر است هر روز میبند توی کارگاهها و هم وحشیانه از آنها کار کشیده میشود و هم حرمتشان مدام زیر پا گذاشته میشود. به این کارگران توهین میکنند و یا از شان پول می گیرند تحقیرشان میکنند و آنها را دنبال میکنند و مدام زیر تعقیب هستند. دستگیرشان میکنند و هر جا هم که بخواهند از نیرویشان استفاده میکنند. مثلا در شهرداری از ترس

۲۴ ژوئیه روز جهانی سکینه
روز شهروندان جهان علیه سنگسار

استرالیا، سیدنی: از ساعت ۱۴ در Town Square
اتریش، وین: از ساعت ۱۷ در St. Stephan's Platz
برزیل: از ساعت ۱۴

Secular Humanist League of Brazil will post their protest online.

کانادا:

اتاوا: از ساعت ۱۲ تا ۱۵ در مقابل Parliament Hill
تورنتو: از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در مقابل CBC News

وونکور: از ساعت ۱۴ تا ۱۷ میز کتاب و از ساعت ۵ عصر به بعد تظاهرات در مقابل Art Gallery

گرجستان، تفلیس: از ساعت ۱۳ تا ۱۵ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی

فرانسه:

پاریس: از ساعت ۱۴ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی
تولوس: Toulouse زمان و مکان متعاقبا اعلام می شود

آلمان:

برلین- از ساعت ۱۴ در Gedächtniskirche

برمن- از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در Marktplatz واقع در مرکز شهر
فرانکفورت- از ساعت ۱۹:۳۰ در Haupt Wache واقع در مرکز شهر

ایتالیا، ونیز: از ساعت ۱۴ - مکان متعاقبا اعلام می شود
هلند، آمستردام: از ساعت ۱۴ در Beurs Plein

نروژ- اسلو- از ساعت ۱۴ در مقابل پارلمان نروژ
سوئد:

مالمو: از ساعت ۱۴ تا ۱۶ بر روی پل Davidshalls Bron
گوتنبرگ: از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در برنز پارک
استکهلم: از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در مینت توریوت
بورس: از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در میدان بزرگ شهر

بریتانیا:

لندن: از ساعت ۱۸ در میدان Trafalgar

بیرمینگهام: از ساعت ۱۴ در برابر کتابخانه مرکزی Chichester
از ساعت ۱۴ در مرکز شهر در مقابل old Boots shop

Egham: از ساعت ۱۸ - Royal Holloway College

ریچموند: از ساعت ۱۱:۳۰ در مقابل ایستگاه قطار ریچموند
آمریکا:

دالاس: از ساعت ۱۸ تا ۲۰ - مرکز شهر - Corner of Houston and Alem

نیویورک سیتی: از ساعت ۱۴ در Union Square

واشینگتن دی سی: از ساعت ۱۲ تا ۱۵ در مقابل دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی

اعتصاب و یا بخاطر سودجویی شان و فعالان دفاع کنیم. نباید اجازه دهیم این فاشیستهای سرمایه دار اینچنین با کارگران برخورد کنند. هم طبقه ای های افغانستانی خود

به کمپین آزادی کارگران زندانی پیوندیم

هادی وقفی

خیابانها بیابند و با در دست داشتن عکس های سکینه، این روز را به يك روز یکپارچه خشم و نفرت از اعدام و سنگسار تبدیل کنند. کمپین نجات سکینه (به رهبری چهره های سوسیالیست) نشان داد که آرمانهای انسانی و خواسته های سیاسی کمونیست ها، فقط یکسری شعارهای حقوق بشری برای رسیدن به اهداف سیاسی نیست. اینها دستورالعمل های فوری و خواسته های اساسی انقلابی در شرف تعیین تکلیف نهایی است. این کمپین فرصتی فراهم ساخت که در پرتو آن يك حکومت وحشی، تحت فشار افکار عمومی جهانی عقب رانده شود. دستاوردی که - بقول مینا احدی - بنویسه خود تأثیرات عمیق خود را بر انقلاب حال حاضر مردم ایران خواهد گذاشت. بی تردید باید این دستاوردها را پاس داشت. به استقبالشان رفت و از امکاناتی که فراهم آورده اند، برای تعمیق مبارزه و ایفای نقش رهبری انقلاب بهره گرفت. "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" یکی از عرصه های مهم این پاسداشت و به جلو راندن و تعمیق این دستاوردهاست. این فقط طبقه کارگر است که می تواند آزادی و رهایی واقعی بشر را تأمین کند. فقط سیاست ها و اهداف انسانی طبقه کارگر است که می تواند موفقیت هر انقلابی را تضمین نماید. این طبقه است که می تواند و باید پرچم مبارزه علیه اعدام و سنگسار، پرچم سکولاریسم، پرچم دفاع از حقوق کودک، دفاع از حقوق زن، پرچم مبارزه علیه آپارتاید جنسی و رفع تبعیض بین زن و مرد، پرچم تأمین آزادی بی قید و شرط و رفاه در خورشان انسانی و غیره را بدست بگیرد. حمایت و پشتیبانی از هم طبقه ای های دربندی که زیر فشار اختناق و سرکوب حاکم بر ایران در دفاع از حقوق و آرمانهای انسانی کارگران و کل مردم کوتاه نیامده اند، قدم اولیه و ضروری انقلاب حاضر خواهد بود و با وجود این، باید بسیار فراتر از این را دید و اساسا اهداف کمپین آزادی کارگران زندانی هم از صرف تلاش برای آزادی کارگران زندانی بسیار فراتر می رود. در دل این کمپین و به موازات پیشبرد این کمپین، باید این را به مردم نشان داد که چرا اهداف و سیاست های طبقه کارگر است که می تواند انقلابشان را به سرانجام رساند. باید مشخص کرد



علی مهین ترابی از زندان آزاد شد



علی مهین ترابی از زندان آزاد شد. این بهترین خبری است که از ایران دریافت کردیم. علی ۱۶ ساله بود که دستگیر شد. او در هنرستانی درس میخواند و در جریان درگیری بین چند نفر از دوستان هم سن و سالش، متاسفانه یکی از این نوجوانان به اسم مزدک توسط چاقوی علی به قتل رسید. علی فوراً دستگیر و سپس به اعدام محکوم شد و نزدیک به هشت سال را با کابوس هرروزه طناب دار در زندان سپری کرد. او بارها نوشت و گفت که قصد کشتن نداشته و بارها معذرت خواست ولی قاضی پرونده او را به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم کرد. علی در يك نامه نوشت که لحظه ها اینجا به سرعت میگذرند، بوی مدرسه را فراموش کرده ام. من علی مهین ترابی هستم محکوم به اعدام. و نوشت که از اعدام وحشت دارد. یکبار علی تلفنی به من گفت: مینا نمیتوانی در آلمان با مردم حرف بزنی و بگویی که علی در زندان محکوم به مرگ است و میخواهد همه مردم آلمان او را درک کنند و به او کمک کنند؟ در باره علی مهین ترابی بارها و بارها در رسانه ها در کشورهای مختلف حرف زده شد و يك کمپین برای نجات او به راه افتاد. بسیاری او را کمک کردند و روز چهارشنبه یعنی دیروز ۳۰ تیرماه پس از هفت سال و هفت ماه از زندان آزاد شد. علی زندگی خود را مدیون هزاران

که این طبقه در مورد اعدام و سنگسار چه فکر می کند. در مورد حقوق زن چه و در مورد حقوق کودک چطور و در عین حال، باید این را هم به خود طبقه یادآور شد که طبقه کارگر نمی تواند خودش را آزاد کند مگر آنکه کل جامعه را آزاد کند و برای آزادی کل جامعه، این طبقه به "حزب" نیاز دارد. به حزب سیاسی تا اساسا قادر باشد انتخاب و ارائه آئرناتیو کند. طبقه کارگر باید بطور روشنی متوجه باشد که برای تمام این اهداف و برای ایفای نقش تاریخی خودش در انقلاب حاضر، به حزب نیاز دارد. این حزب، کلید گرفتن قدرت سیاسی طبقه کارگر برای گذر از تفسیر دنیا به تغییر دنیاست. رمز تحقق عملی و غیرقابل بازپس گیری دستاوردهای انقلاب مردم و پی ریزی جامعه ای شاد، برابر و مرفه انسانی است و در همینجاست که ضرورت شناساندن حزب بمشابه کلید گرفتن قدرت سیاسی طبقه کارگر به کمپین علیه اعدام و سنگسار، کمپین آزادی کارگران زندانی و بسیاری از کمپین های دیگر گره می خورد. حزب سیاسی، ارائه برنامه و آئرناتیوی به جامعه است تا در پرتو آن اساسا بتواند هدف داشته باشد. بهتر و آگاهانه تر بداند که چه می خواهد و چه نمی خواهد و برای رسیدن به خواسته هایش کدام قدم سیاسی و عملی را باید بردارد.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"، همچون کمپین علیه اعدام و سنگسار، به رهبران عملی نیاز دارد. به يك تلاش گسترده برای معرفی و به جلو راندن چهره های سیاسی، چپ و متحزب که تمام این واقعیات را بمیان مردم و کارگران ببرند. رهبری جنبش کارگری را بدست بگیرند و راهکارها و راه حل های سوسیالیستی و انسانی طبقه کارگر برای اداره جامعه را به مردم ایران و جهان معرفی کنند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی، آن فرصتی است که می تواند دستاوردهای تاکتونی انقلاب را تثبیت و تکمیل کرده و در عین حال، راه و جهت آینده را نشان دهد. جامعه ایران امروز بیشتر از هر زمانی به چپ چرخیده است. خواسته ها و آرمان های

نفر است که در ایران و در سطح جهان به یاری او شتافتند، مدیون وکیل او است، مدیون مردم آزادیخواهی است که زمانی که شنیدند مادر مزدک مخالف اعدام علی است برایش دسته گل بردند. او از مرگ نجات یافت، اما دنیا باید در مورد همان لحظه های سیاه که علی نوشت، بیشتر بداند. لحظه های سیاه زندگی يك نوجوان که با مرگ دست و پنجه نرم میکند. این جنایت علیه بشریت است و باید در دنیا مورد اعتراض جهانی قرار بگیرد. کیفرخواست علی و بیش از ۱۳۰ کودک محکوم به اعدام در زندان های جمهوری اسلامی را باید در دنیا مطرح کرد و به سیستم و قوانین و دستگاه قضایی قرون وسطایی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی اعتراض کرد.

من از طرف هزاران نفر که در سراسر جهان برای علی و نجات او تلاش کردند، به مادر علی و حواهر برادران او و به خانواده علی تبریک میگویم. امروز علی چشم خود را باز کرد و آسمان آبی را دید این بهترین هدیه به کوشندگان راه نجات علی است.

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۲ جولای ۲۰۱۰، ۳۱ تیر ۱۳۸۹

است تا در پرتو آن بتوان کمپین های گسترده دیگری را در افشای وحشیگری يك حکومت ضدانسان برآه انداخته و با برداشتن گام های تکمیلی، آن ضربه نهایی را بر پیکر پوسیده و متعفن جمهوری اسلامی وارد آورد. این يك مبارزه و رویارویی شورانگیز میان دو قطب انسانیت و وحشیگری و هوچی گری بورژوازی افشارگسیخته است. قدر فرصت ها و امکاناتی را که فراهم آمده اند بدانیم و با دستاوردهای کمپین بین المللی علیه اعدام و سنگسار به "کمپین آزادی کارگران زندانی" پیوندیم....

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار

به انسان است.



تلاش میکند خبر مربوط به پرونده سکینه در رسانه‌ها منعکس نشود تا این پرونده از يك موضوع داغ خارج شود.

همه مردم ایران و جهان را فرامیخوانیم که همچنان به مبارزه خود برای نجات سکینه از اعدام و سنگسار و زندان ادامه دهند. از همه رسانه‌ها می‌خواهیم خبرهای مربوط به سکینه و فعالیت‌های جهانی برای نجات او را هرچه وسیعتر منعکس کنند و توطئه جمهوری اسلامی برای مسکوت ماندن این پرونده را خنثی کنند. تنها با فشار جهانی علیه

اطلاعیه شماره ۱۹: جمهوری اسلامی پرونده سکینه را متوقف کرده و گفته است در ۲۰ روز آینده تکلیف سکینه را روشن میکند

در اطلاعیه شماره قبل خبر دادیم که مقامات قوه قضائیه در تهران قرار است روز چهارشنبه ۲۱ جولای در مورد سکینه محمدی آشتیانی تصمیم گیری کنند. یک منبع خبری ما امروز اطلاع داد که جمهوری اسلامی ضمن ارجاع پرونده سکینه به شعبه ۹ دیوان عالی کشور، آنرا متوقف کرده و گفته است

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری: پیرامون انفجارهای زاهدان

همچنین در حمایت از "اهل سنت" اعلام کرده است. اما این جلوه دیگری از جنگ تروریست‌های اسلامی، از یکسو جمهوری اسلامی که جز با اعدام و ترور و جنایت یک روز هم دوام نمی‌آورد، و از سوی دیگر گروه شبه القاعده جنانداخته است. مردم چه منتسب به شیعه چه سنی قربانیان

دیروز پنجشنبه ۲۴ تیر دو بمب گذاری انتحاری در جلوی مسجدی در زاهدان صورت گرفت که منجر به کشته شدن دهها نفر و زخمی شدن صدها نفر دیگر گردید. در میان کشته و زخمی شدگان علاوه بر دو بمب گذار و عناصری از سپاه پاسداران، تعداد زیادی مردم عادی وجود دارند. این انفجارها موجب

فورا ملغی شود و مجازات سنگسار و اعدام و قصاص تماما برچیده شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۱ جولای ۲۰۱۰، ۳۰ تیرماه ۱۳۸۹

حاکمیت کشتار و جنایت و سرکوب و محرومیت اکثریت عظیم جامعه است، و برای برقراری یک حکومت غیر مذهبی و غیر قومی و انسانی دست در دست هم بیا خیزند.

سرنگون باد رژیم اسلامی نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ تیرماه ۱۳۸۹، ۶ جولای ۲۰۱۰

جمهوری اسلامی و انعکاس هرچه گسترده تر این مساله در سطح جهان، میتوان سکینه و سکینه‌های دیگر را نجات داد. احکام سنگسار و اعدام علیه سکینه و سایر محکومین به اعدام و سنگسار باید

این جنایات هستند و هیچ منفعتی در این تقابل سیعانه و ضدبشری میان جمهوری اسلامی و جریانات کثیف اسلام سیاسی ندارند. حزب کمونیست کارگری این جنایات و کل تروریسم اسلامی و کشتار مردم بیگناه را شدیداً محکوم میکند. حزب همه مردم را فرامیخواند تا مستقل از هویت‌های کاذبی که برای آنها ساخته اند برای سرنگونی رژیم اسلامی که خود سرمنشأ تروریسم اسلامی و

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان
۱۶ ژوئیه ۲۰۱۰

اکس مسلم، نمایشگاهی جالب از نحوه اجرای قوانین شریعه درست کرده بود که مورد توجه زیادی قرار گرفت.

بطوری که وقتی مینا احدی روی سن رفت و شروع به سخنرانی کرد، تعدادی از مسئولین سازمانهای اسلامی، جلسه را ترک کردند. مینا احدی به آنها گفت: بنشینید و گوش دهید که ما چه می‌گوییم و خطاب به حاضرین گفت اینها در اینجا طاقت شیدن انتقاد ندارند اما هر جا قدرت داشته باشند، زبان مخالف را از حلقوم بیرون میکشند. سخنرانی مینا احدی در رسانه‌های آلمان منعکس شد.

روز دوم کنفرانس بی رونق، سازماندهی آموزش امام در آلمان، چند ساعت زودتر خاتمه یافت و بنظر میرسید حکومت آلمان در این برنامه سازماندهی کمک بیشتر به اسلامپویان چندان موفق نبود.

بدنبال این کنفرانس سایت "دی تسایت" مطلبی علیه مینا احدی نوشت و در پاسخ به این مطلب، مینا احدی و گابی اشیمیت معلم معترض به تدریس مذهب در مدارس، مشترکاً پاسخ مفصلی دادند که به رسانه‌ها ارسال شد.

در جریان این برنامه اعتراضی کاظم عیسی لو از اعضای سازمان

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان: دو روز اعتراض موفق در شهر کلن آلمان

سازمان اکس مسلم به همراه پنج سازمان آلمانی و نمایندگان از معلمین و روانشناسان کودکان و ... در مقابل این کنفرانس یک میتینگ اعتراضی سازمان داده و با یک اطلاعیه مطبوعاتی در مورد این حرکت اعتراضی خبر رسانی کرده بودند.

روز اول کنفرانس، تعدادی از تظاهرکنندگان در حالیکه عکسهای بزرگی از سکینه محمدی آشتیانی را در دست داشتند، در مقابل سالن کنفرانس ایستاده و افشاگری میکردند و همزمان نمایندگان تظاهرکنندگان با مسئولین جلسه گفتگو کرده و مسئولین کنفرانس با توجه به اعتراضی که در مقابل سالن جریان داشت پذیرفتند که مینا احدی و آقای فون د روی بعنوان نمایندگان معترضین در کنفرانس سخنرانی کنند.

این موفقیتی برای معترضین بود و به دل اسلامپست‌ها خوش نیامد

روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۳ و ۱۴ ژوئیه به دعوت وزارت آموزش آلمان [کنفرانسی دو روزه در شهر کلن برگزار شد که در آن از نمایندگان سازمانهای اسلامی و مدافعین اسلام و قوانین شریعه دعوت شده بود در مورد نحوه سازماندهی دخالت اسلام و مذهب در آموزش عالی آلمان صحبت کنند. موضوع اصلی تدریس اسلام در مدارس عالی آلمان بود. از کشورهای مختلف افرادی دعوت شده بودند تا در مورد تجارب خود در آموزش اسلام در مدارس عالی صحبت کنند. خاتمی از ایران و مصطفی چریک مدافع سرسخت سنگسار از بوسنیا از جمله مدعوین این کنفرانس بودند. البته خاتمی بدلیل فضای فعال اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور و اعتراض تعدادی از سخنرانان، یکی دو روز مانده به شروع کنفرانس عدم شرکت خود را اعلام کرد.



Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اساس سوسیالیسم انسان است